پايان تلخ يك خانواده پشت درهاي بسته؛ مردی همسر و دخترش را به قتل رساند

19 مهر 1405

مرتضي نثاري، معاون مبارزه با جرايم جنايي پليس آگاهي تهران بزرگ از رمزگشايي پرونده‌اي خبر داد كه نه‌تنها صحنه جرم، بلكه دل هر انساني را به لرزه درآورد.

به گزارش مادران دختران به نقل از اعتماد؛ معاون مبارزه با جرايم جنايي پليس آگاهي تهران بزرگ در تشريح اين پرونده گفت: «ساعت 1روز چهارم مرداد ماه امسال، از طريق مركز فوريت‌هاي پليسي ۱۱۰، وقوع دو فقره قتل هولناك در حوزه كلانتري ۱۸۱ چيتگر به پليس آگاهي اعلام شد؛ قتلي كه در سكوت يك خانه و پشت درهاي بسته رخ داده بود.»

او گفت: «با حضور فوري اكيپ بررسي صحنه قتل اداره دهم پليس آگاهي، بازپرس ويژه قتل، كارشناسان پزشكي قانوني و تيم تشخيص هويت، پرده از واقعيتي تلخ برداشته شد.»

نثاري گفت: «در اتاق خواب، پيكر بي‌جان زن ۴۵ ساله، مادر خانواده، به صورت طاق‌باز بر زمين افتاده بود؛ گلوله‌اي كه از پشت سر وارد شده بود، راه بازگشتي براي او نگذاشته بود.»

انتشارات رویای آبی

معاون مبارزه با جرايم جنايي پليس آگاهي تهران بزرگ گفت: «در كنار او، پيكر كوچك دختر ۱۲ ساله‌اش ديده مي‌شد؛ كودكي كه هنوز رويا‌هايش را زندگي نكرده بود. گلوله‌اي كه از پشت سر وارد و از

لاله گوش راست خارج شده بود، نشان مي‌داد اين كودك حتي فرصتي براي ترسيدن نداشته است.»

او گفت: «در صحنه جرم، يك مرمي تغيير شكل يافته در الياف فرش، دو عدد پوكه جنگي و يك گاوصندوق باز و خالي كشف شد؛ شواهدي كه از جنايتي حساب شده حكايت داشت، نه حادثه‌اي ناگهاني.»

نثاري گفت: «در تحقيقات اوليه، همسر مقتوله، مردي ۴۷ ساله و بازنشسته، تلاش داشت ماجرا را به سرقت ساختگي نسبت دهد؛ اما اظهارات متناقض، رفتار آشفته و سكوت‌هاي معنادار او، زنگ خطر را براي كارآگاهان به صدا درآورد.»

معاون مبارزه با جرايم جنايي پليس آگاهي تهران بزرگ گفت: «بررسي‌هاي تخصصي نشان داد متهم ماه‌ها تحت فشار شديد مالي، بدهي‌هاي سنگين و خطر تخليه خانه قرار داشته؛ فشارهايي كه به تدريج بنيان اين خانواده را فرسوده بود. هيچ‌گونه ردپايي از ورود عامل خارجي به صحنه به دست نيامد.»

نثاري گفت: «متهم پس از چندين مرحله بازجويي تخصصي و مواجهه با مستندات غيرقابل انكار، سرانجام در تاريخ ۲۲ آذر ماه لب به اعتراف گشود؛ اعترافي كه سنگيني آن، فراتر از واژه‌ها بود.»

او در اظهارات خود گفت: «از دروغ‌ها خسته شده بودم. همسرم مي‌خواست همراه من بيايد. دعوا بالا گرفت اسلحه را برداشتم و شليك كردم. دخترم با صداي تير بيدار شد. فقط مي‌خواستم ساكت شود.»

اين مقام انتظامي گفت: «پس از ارتكاب جنايت، متهم براي صحنه‌سازي، طلاجات را از خانه خارج و در انباري پاركينگ مخفي كرد و سلاح را در حاشيه اتوبان آزادگان دور انداخت. طلاجات با راهنمايي متهم كشف شد، اما سلاح تاكنون به دست نيامده و همچنان در دل خاك پنهان است.»

معاون مبارزه با جرايم جنايي پليس آگاهي تهران بزرگ گفت: «متهم با قرار بازداشت موقت از سوي بازپرس شعبه دوم دادسراي امور جنايي تهران، به اتهام قتل عمد تحت نظر قرار دارد و تحقيقات تكميلي همچنان ادامه دارد؛ پرونده‌اي كه نمونه‌اي تلخ از فروپاشي اقتصادي، پنهانكاري و تصميمي چند ثانيه‌اي است كه يك خانواده را براي هميشه خاموش كرد.»